

کاشان

نگینی در حاشیه کویران

اصغر کریمی



کاشان

نگینی در حاشیه کویران

اصغر کریمی



سرشناسه:	کریمی، اصغر، ۱۳۱۹-۱۴۰۰.
عنوان و نام پدیدآور:	کاشان نگینی در حاشیه کویر ایران / اصغر کریمی؛ ویراستار فاطمه زمانی.
مشخصات نشر:	تهران: نشر هنوز، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۴۰۰ ص.؛ مصور.
شابک:	978-622-7255-63-8
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: صص. ۳۶۵-۳۶۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	کاشان
موضوع:	Kashan (Iran)
موضوع:	کاشان -- تاریخ
موضوع:	Kashan (Iran) -- History
موضوع:	کاشان -- آثار تاریخی
موضوع:	Kashan (Iran) --- Antiquities
رده بندی کنگره:	DSSR ۲۱۱۵
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۹۳۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۸۴۹۶۸۲۸

.....

کاشان

نویسنده: اصغر کریمی

ویراستار: فاطمه زمانی

.....

چاپ اول، زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: صد و هشتاد هزار تومان

.....

طراحی جلد مجموعه کتاب: استودیو کارگاه - مصطفی بهزادی، طراحی جلد کتاب: سپیده هنرمند

اجرا: یاسر عزآباد

ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

.....

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
 نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵ ... info@hanoozpub.com ... www.hanoozbooks.com

نشره‌نوز {♦♦♦}



۱۱	بخش اول: جغرافیای سرزمین کاشان
۱۳	فصل ۱. سرزمین
۱۴	گستره جغرافیایی کاشان در دوره باستان
۱۶	کاشان پیش از تاریخ
۱۹	سابقه باستانی و تاریخی سیلک
۱۹	دوره اول سیلک: هزاره ششم پیش از میلاد
۲۳	دوره دوم سیلک: هزاره پنجم پیش از میلاد
۲۵	دوره سوم سیلک: هزاره چهارم پیش از میلاد
۲۸	دوره چهارم سیلک: هزاره سوم پیش از میلاد
۲۹	دوره های پنجم و ششم: هزاره دوم و آغاز هزاره اول
۳۶	فصل ۲. پیوندهای سیلک با خارج و تأثیرات خارجی بر آن
۳۷	ارتباط میان سیلک و آنو
۳۸	ارتباط میان فلات ایران و بین النهرین سفلی در دوره عبید
۴۰	تأثیر تمدن اوروک بر تمدن سیلک
۴۰	گونه های استخوانی انسان شناختی سیلک
۴۴	تعیین ماهیت گونه های انسانی چهارگانه سیلک

۴۷	فصل ۳. کاشان و سیلک از هخامنشی به بعد
۴۹	کاشان بعد از اسلام
۵۱	نام‌گذاری کاشان
	بخش دوم: مردم‌شناسی و فرهنگ مردم
۵۵	در حوزه فرهنگی - جغرافیایی کاشان
۵۷	فصل ۴. تداوم پویایی فرهنگ مردم کاشان
۵۸	کاشان پس از دوره پیش از تاریخ
۶۴	مسکن و معماری سنتی
۱۰۴	پوشاک سنتی
۱۲۴	فنون سنتی خوراک
۱۴۴	فنون سنتی بهره‌برداری از خواص مواد و نیروهای طبیعی
۱۵۳	کشاورزی سنتی
۱۶۳	فصل ۵. فنون سنتی کاشت، داشت و برداشت تنباکو
۱۶۴	دامداری
۱۶۹	فصل ۶. جلوه‌های غیرمادی فرهنگ سنتی
۱۶۹	تقویم فعالیت‌های تولیدی روستایی
۱۷۱	تقویم آیین‌ها، مراسم و مناسک مذهبی، ملی و مردمی
۱۸۱	پدیده‌های زیبایی‌شناختی
۱۸۲	بازی‌ها
۱۸۷	خط و کتابت
۱۸۸	زیورها
۱۹۰	باورها
۱۹۶	مَثَل (ضرب‌المثل)
۱۹۸	همسرگزینی

۲۱۱	فصل ۷. صنایع دستی کاشان
۲۱۱	مقدمه
۲۱۷	بافته‌ها
۲۱۹	قالی بافی
۲۷۶	زیلوبافی
۲۹۰	مخمل بافی
۳۰۹	شعر بافی
۳۲۲	زری بافی
۳۲۷	طناب بافی و موتابی
۳۳۱	سفالگری و کاشی سازی
۳۴۰	صنایع دستی چوبی
۳۴۵	فلزکاری سنتی دستی
۳۶۲	گیوه‌کشی
۳۶۷	منابع
۳۷۳	فهرست نام‌ها
۳۸۱	نمایه اصطلاحات

بخش اول
جغرافیای سرزمین کاشان

فصل ۱

سرزمین

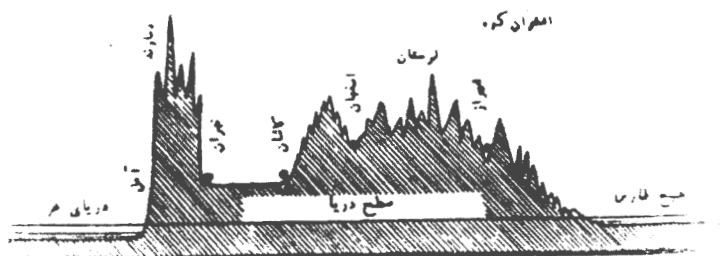
سرزمین کاشان در دامنه رشته کوه‌های مرکزی ایران و در حاشیه غربی دشت کویر گسترده شده است. این سرزمین از طرف شمال غربی به قم، از جنوب به اصفهان، از جنوب شرقی به اردستان و نایین، از مغرب به محلات و سلطان‌آباد (اراک)، از جنوب غربی به خمین و گلپایگان و از مشرق به دشت کویر محدود می‌شود. میانگین ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۰۰ متر است (از ۸۴۰ تا ۱۱۳۰ متر).

دو رشته کوه به موازات یکدیگر از شمال غربی کاشان رو به جنوب کشیده شده که به کوه‌های اردستان و نایین پیوسته‌اند. رشته اول از مشهد اردهال، قمصر، نطنز، نراق، جوشقان قالی و میمه می‌گذرد و به اردستان و نایین ختم می‌شود. قله بلند کرکس به ارتفاع ۳۸۹۸ متر در مغرب شهر نطنز متعلق به همین رشته است. رشته دوم به شهرهای میمه و دلیجان می‌رسد و صالح کوه با قله‌ای به ارتفاع ۳۱۳۲ متر جنوب روستای لوشاب را در برمی‌گیرد^۱.

این سرزمین از نظر جغرافیائی به دو منطقه مجزا تقسیم می‌شود. نخست قسمتی به نام کویرات، ریگ بوم و کم‌آب و گرم، که هم‌مرز با دشت کویر است

.....
۱. فرهنگ جغرافیای ایران، جلد ۳، ص. ۲۲۲: دایرةالمعارف فارسی. به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب. (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۵) جلد ۲، ص. ۲۱۴۱.

و قسمت دیگر بخش کوهستانی، خوش آب و هوا و خنک، که در دامنه کوه‌ها و در دل دره‌های باطراوت کوهساران کرکس قرار دارد.^۱



موقعیت کاشان در مقطع شمالی - جنوبی نجد ایران بین خلیج فارس و دریای خزر^۲

رودهای این سرزمین کم آب و در بیشتر فصول سال خشک و بی آبند. این سرزمین از نظر منابع آب، همواره به منابع طبیعی خود وابسته بود که مهم ترین آن‌ها چشمه فین است. سهم آب شهر کاشان از چشمه‌ها و قنات‌های احداث شده در این ناحیه تأمین می شده است، ولی پس از لوله کشی شهر کاشان این سهم قطع شد و صرف استفاده آب انبارهای عمومی شهر، آب انبارها و حوض‌های خانه‌ها و باغ‌های اطراف شهر شده است.^۳

گستره جغرافیایی کاشان در دوره باستان^۴

بر اساس داده‌های زمین شناسی، زمانی که بخش اعظم اروپا پوشیده از

۱. افشار، ایرج (خرداد ۱۳۳۵ش)، «یادداشتی در تاریخ کاشان»، مجله یغما، خرداد ۱۳۳۵. سال نهم. شماره ۳، ص. ۱۲۴.

۲. گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۴) ص. ۳۰.

۳. ایرانشهر، تهران، ۱۳۴۲، جلد اول ص. ۸۲.

۴. از دوست و همکار دیرینه و دانشمند، آقای دکتر رضا رضازاده، متخصص در تاریخ ایران، سپاسگزارم که در نهایت لطف یادداشت‌های پراکنده ولی پرباری که از جناب آقای دکتر حسن طلایی، باستان‌شناس و متخصص دوره پیش از تاریخ درباره سیلک و کاشان در اختیار داشت، برای استفاده به من سپرد.

توده‌های یخ بود، نجد ایران دوره باران را پشت سر می گذاشت. در آن زمان بخش مرکزی نجد، بیابان نمکزار امروزی، دریاچه‌ای وسیع یا دریای داخلی بود و رودهای بسیار از کوه‌های مرتفع به سوی آن سرازیر می شد. در فاصله زمانی بین ده هزار تا پانزده هزار سال قبل از میلاد، با تغییر تدریجی آب و هوا، عهد بارانی از بین رفت و عهدی، اصطلاحاً «عهد خشک» که هنوز هم ادامه دارد، جانشین آن شد.^۱ خشک شدن روزافزون دره‌ها که معلول پیشرفت دوره بی آبی بود، موجب تغییراتی ژرف در شرایط زندگی گردید، دریاچه عظیم مرکزی کوچک شد و سواحل آن، که رودها در آن ذخیره‌ای از لای حاصلخیز به جا گذاشته بودند، پوشیده از مراتع و مرغزارهای گسترده شد.^۲ این دریاچه مرکزی نیز به تدریج خشک و کوچک شد و سرانجام کویر نمک بزرگی تشکیل داد. کاشان دقیقاً در حاشیه غربی این گودال وسیع خشک واقع است.

آلفونس گابریل^۳ در ۱۹۳۳م/۱۳۱۱ش درباره این گودال وسیع خشک نوشته است: وقتی زمین در دوره سوم^۴ چین خوردگی یافت و لبه چین خوردگی‌ها ضخامت بیشتری پیدا کرد، درون آن‌ها چاله‌های بزرگ و پرابی به وجود آمدند. موانع موجود بر سر راه بادهای مرطوب مانع رسیدن این بادهای چاله‌ها شدند و در نتیجه روبرو تبخیر و خشک شدن گذاشتند. شدت تبخیر آب‌ها بیشتر از حجم ریزش بارش‌های جوی شد. رودخانه‌ها توانستند همه مواد فروریخته ناشی از هوازدگی را با خود حمل کنند به طوری که مواد درشت‌تر نزدیک

۱. گیرشمن. ایران از آغاز تا اسلام. ص. ۹.

۲. همان. صص. ۱۱ و ۱۲.

3. Alfons Gabriel

۴. به فرانسه Tertiaire دوره‌ای است در زمین‌شناسی بر اساس مقیاس زمانی بین دوره‌های پالئوژن و نئوژن از دوران نوزیستی از ۲۱/۵ میلیون سال پیش تا ۲ میلیون سال پیش که دوره‌های میوسن و پلیوسن را در بر می گیرد.

Le Robert encyclopedique des nomes propres, Paris, 2002, P.A18.

دامنه کوه‌ها باقی ماندند و مواد ریزتر در فرورفتگی‌ها جای گرفتند. خاک نرم و آبرفت‌ها روی هم انباشته شدند. در این جا نمک‌های حلال به خاک نرم و آبرفت‌ها افزوده شد. در این دوره توده رسوب‌های سرازیر شده از دامنه حوضه‌ها به درون دریاچه‌ها انتقال یافت. سپس تغییرات آب و هوایی امروزی پدید آمد و، همراه با آن، تخریب کوه‌ها، پُر و هموار شدن چاله‌ها و گسترش یافتن سطح تبخیری وقفه ادامه پیدا کرد. دریاچه‌ها به آرامی تبدیل به باتلاق شدند، مواد حالت شُل و وارفته خود را بیشتر از دست دادند و به سختی گراییدند و با تبخیر آب مواد هوازده محلول، نمک بیشتری بر جا ماند. به این ترتیب دریاچه‌ها که با اضافه شدن مواد سخت ارتفاعات اطراف، شکل باتلاقی یافته بودند، خشک شدند و سرانجام به اراضی خشک و کویری سخت و خشک مبدل گردیدند و کویر بزرگ ایران یا کویر خراسان، وسیع‌ترین و هولناک‌ترین کویرها در شمال سرزمین ایران به وجود آمد. سراسر کمربند کویری بزرگ که از کوه‌های البرز تا بلوچستان ادامه دارد، پر از باتلاق‌های نمک است. این اراضی کویری متعلق به همان بخش‌های نادر از جهان خاکی هستند که خالی از هر گونه زندگی‌اند. در این کویر در مساحتی حدود ۵۵۰۰ کیلومتر مربع، نشانه‌ای از زندگی وجود ندارد. از خاک غرق در نمک آن هیچ گیاهی نمی‌روید... پهنه کویر فاقد هر گونه زندگی است.^۱ کاشان در حاشیه چنین کویری است.

کاشان پیش از تاریخ

پیش از این که آریایی‌ها از ۱۴۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد از استپ‌های شمال دریا‌های خزر و سیاه به سرزمینی که بعدها «ایران» نام گرفت، سرازیر شوند

۱. برداشت آزاد از گابریل، آلفونس. عبور از صحاری ایران. ترجمه فرامرز نجدسمعی. (مشهد: مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱). صص. ۳۵-۳۷.

مردمانی از هزاره هفتم پیش از میلاد تا سده های آخر هزاره چهارم پیش از میلاد در خطه کاشان امروزی به نام «سیلک» شروع به بنیاد تمدنی کردند که تپه های سیلک در سه کیلومتری جنوب غربی شهر کاشان، در راه کاشان به فین، نشانه هایی از آن است و سابقه سرزمین کاشان را تا هزاره هفتم پیش از میلاد نشان می دهد.

کاوش های علمی دو تپه شمالی و جنوبی سیلک^۱ که حدود ۶۰۰ متر از هم فاصله دارند اطلاعات علمی گاهنگاری پیش از تاریخ این ناحیه را در اختیارمان می گذارند. این دو تپه که در فاصله بین شهر کاشان و فین قرار دارند شاخص مطمئنی برای قدمت حوزه کاشان و شش دوره تمدن آن هستند. آغاز دوره اول آن به اواخر هزاره ششم پیش از میلاد، دوره دوم به هزاره پنجم پیش از میلاد، دوره سوم به هزاره چهارم پیش از میلاد، پاره ای از نشانه های دوره چهارم به هزاره سوم پیش از میلاد، و دوره های پنجم و ششم به آخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول مربوط می شود.

گیرشمن درباره نام «سیلک» نوشته است: «به نظر می رسد بیشتر از هر چیز باید این نام را بازمانده سه هزار ساله شاهی محلی بازشناسی کرد که در آخرین دوره اشغال این سرزمین فرمانروای آن بوده و بعدها نام مکان شده است.» او سیلک را نزدیک به کلمه «سیالخش» می داند که نام شاهزاده ای ایرانی بوده و در نبرد سالامیس در زمان خشایارشا حضور داشته است.^۲

در این پژوهش های باستان شناسی توجه خاصی نیز به پژوهش های

۱. نگاه کنید به گیرشمن، رومن. سیلک کاشان. جلد ۱. ترجمه اصغر کریمی. (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹).

گیرشمن، رومن. سیلک کاشان. جلد ۲. ترجمه اصغر کریمی - آریتا همپارتیان، (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۹).

۲. سیلک کاشان، ج ۱، ص ۲۱.

مردم‌شناختی و انسان‌شناختی شده است؛ یکی از همکاران گروه باستان‌شناسی به سرپرستی گیرشمن به نام والوا^۱ بر پایه یافته‌های باستان‌شناختی ساکنان دوره پیش از تاریخ کاشان مطالعاتی انجام داده و عضو دیگری از گروه به نام وافر^۲ بر بنیاد همان یافته‌ها، گیاهان همان دوره را بررسی کرده است.^۳

بر اساس مدارک و شواهد باستان‌شناختی کاوش‌ها در تپه سیلک کاشان، طبقات اول و سوم محوطه باستانی این تپه از هزاره ششم تا هزاره سوم پیش از میلاد مسکونی بوده است. پس از این تاریخ، یک دوره نامعلوم مشاهده می‌شود که گورستان‌های مربوط به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد متعلق به این دوره هستند.^۴

تسلسل استقرار در تپه سیلک کاشان، در طول چند هزار سال نشان می‌دهد که در روزگار پیش از تاریخ، سرزمین کاشان از وضعیت زیست‌محیطی مناسبی برخوردار بوده است. با در نظر گرفتن دوران انقلاب نوسنگی که شروع آن را از ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد و تداوم آن را تا ابتدای پیدایش فلزکاری مس در ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد تخمین می‌زنند^۵، قدیم‌ترین استقرار در سیلک کاشان مربوط به دوران انقلاب نوسنگی یا سنگ صیقلی است. اگر تاریخ وقوع آن مربوط به بازه زمانی ۸۰۰۰ سال تا ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد شود، کشاورزی و دامداری نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین معیشت مردمان ساکن در سیلک کاشان داشته است. در این دوران کنترل طبیعت به وسیله دامداران و کشاورزان باعث ازدیاد جمعیت شده و در نهایت باعث تغییر در ساختارهای فرهنگی، دینی و معیشتی مردمان شده است.

.....
1. H. V. Vallois

2. R. Vaufray

۳. نگاه کنید به سیلک کاشان، جلد ۱ و ۲.

۴. همان.

5. *Le Robert encyclopedique des nomes propres*, Paris, 2009, P. A18.

سابقه باستانی و تاریخی سیلک

دوره اول سیلک: هزاره ششم پیش از میلاد

ارتفاع بلندترین بخش تپه شمالی ۶ متر از کف زمین است. از سال‌ها پیش ساکنان روستای دیزچه که نزدیک‌ترین روستا به سیلک است، از خاک این تپه به عنوان کود برای زمین‌های زراعی‌شان استفاده می‌کردند. این تپه در اولین بررسی اجمالی، در عمق ۱۱/۰۸ متری به زمین بکر رسید و تمام استقرارها در این عمق، متعلق به قدیمی‌ترین دوره هستند که دوره اول نامیده می‌شود. از خاک بکر تا ارتفاع ۸ متری تپه، هیچ گونه آثار معماری و ساخت‌وساز به دست نیامد و ظاهر امر نشان می‌داد که ساکنان نخستین سیلک هنوز طرز ساختن خانه را نمی‌دانستند و در زیر آلودگی‌هایی پناه می‌گرفتند که از شاخسار درختان یا از نی ساخته^۱ و سپس گل اندود شده بودند^۲. ظروف مورد استفاده‌شان نیز، قبل از سفال، با همین فن فراهم می‌شده است. ظروفی را با استفاده از فنون سبدهبافی یا زنبیل‌بافی از نی‌ها یا از شاخه‌های نرم درختان می‌بافتند و سپس روی آن را با گل رس اندود و در حرارت خورشید خشک می‌کردند. نقوش هندسی‌ای که بعدها روی ظروف سفالینه ترسیم شد، تقلیدی از خطوط حاصل از فن سبدهبافی است که همان حالت تقاطع ترکه‌های سبد را مجسم می‌ساخت^۳.

آثار ساخت‌وساز و معماری را از ارتفاع ۸ متر به بالا می‌توان دید. دیوار سکونتگاه‌ها را از چینه می‌ساختند. این فن دیوارکشی چینه‌ای از هزاره چهارم قبل از میلاد تا کنون، یعنی مدت شش هزار سال استمرار داشته و بسیاری از حیات‌ها و خانه‌های روستایی را با استفاده از همین فن کهن دیوارکشی چینه‌ای محصور

۱. ایران از آغاز تا اسلام. ص. ۱۲.

۲. سیلک کاشان. ج ۱، ص. ۱۷.

۳. ایران از آغاز تا اسلام. ص. ۱۳.

می کردند. این دوره شامل لایه های استقرار متعددی بوده است. گورهای هر لایه در زیر کف هر ساخت و ساز همان لایه بوده است. همه اسکلت ها آثاری از رنگ قرمز داشتند. موقع دفن، لایه ای از رنگ قرمز روی مرده می پاشیده اند که چون گوشت آن فاسد و تجزیه می شده، رنگ به درون استخوان نفوذ می کرده است. مرده ها را در جهت شرقی - غربی به خاک می سپردند. اشیایی که در کنار مردگان وجود داشته، یک تیر سنگی کنار دست های مرده و دو آرواره گوسفند رویه روی صورت او بوده است. کودکان را یا در همان خاک یا درون خمره های کوچک دفن می کردند. در لایه دوم گوری وجود دارد که درون آن دو کودک دفن شده بودند. سر هر دو کودک روی لایه ای از ماسه نرم قرار دارد. برای جسد نوزادان از رنگ قرمز استفاده نمی شده است.

سفالینه های این دوره به چهار گروه متفاوت زیر تقسیم شده اند:

الف) سفالینه های رنگ روشن با نقوش سیاه: این گروه شامل سفالینه های سفید، زرد یا کرم رنگ است. گل آن زمخت و خشن و دارای خرده ریزهای علف و کاه خرد شده است که بدون دقت و توجه به آن اضافه شده است. درون و بیرون آن ها را با دست های خیس صاف و یکدست کرده اند. بعضی از این سفالینه ها را با یک پارچه یا با یک چرم خیس صاف کرده اند که اثرات آن روی سفال باقی مانده است. کوزه گران امروزی نیز هنوز هم از تکه چرم برای صاف و هموار کردن سطح سفالینه ها استفاده می کنند. در ساختن درون این سفالینه ها دقت بیشتری شده است. گویا چرخ کوزه گری وجود نداشته است زیرا هیچ اثری از خطوط و آثاری که دال بر یک چرخش منظم باشد روی سفالینه ها دیده نمی شود. همه کارهای آن با دست انجام شده است و گاهی شکل شان نامنظم است. نقوش آن ها بیشتر خطوط موازی یا خطوط شطرنجی متقاطع است.

ب) سفالینه های قرمز تک رنگ یا منقش: این سفالینه ها دقیق تر و ظریف تر

ساخته شده‌اند. با استفاده از حرارت آتش توانسته‌اند رنگ‌های تیره‌تر و روشن‌تر قرمز را به دست آورند؛ ولی گویا هنوز کوره مناسبی نداشته‌اند زیرا آتش آثاری از سیاهی بر آن‌ها باقی گذاشته است.

ج) سفالینه‌های سیاه تک‌رنگ: از این سفالینه‌ها فقط چند قطعه شکسته یافت شده است. گویا در خمیره آن‌ها مقداری زغال وجود دارد یا این‌که دود کوره به درون خمیر آن‌ها نفوذ کرده است. آثاری از لکه‌های کاملاً سیاه نیز روی آن‌ها دیده می‌شود.

د) سفالینه‌های متداول و معمولی بدون نقش: این سفالینه‌ها با خاک و گل معمولی، به صورتی خشن و بسیار ضخیم، همراه با خاشاک و کاه ساخته شده است.

قدیمی‌ترین شیء ساخته‌شده از مس در لایه سوم این دوره اول به دست آمده است. در همین لایه شیء مسی دیگری نیز پیدا شد که همانند سنجاق سر است. بقیه اشیاء مسی در لایه‌های بعدی پیدا شده‌اند. در اشیاء مسی دوره اول هیچ نوع اثری از ذوب مس دیده نمی‌شود و تمام آن‌ها چکش کاری شده‌اند. در همین لایه، علاوه بر اشیاء سفالی، اشیاء دیگری نیز که از سنگ و استخوان ساخته شده بودند، به دست آمد^۱.

در دومین لایه از دوره اول، نوع جدیدی از سفال به این گروه‌های چهارگانه قبل اضافه شده است. خمیرمایه این سفال جدید به رنگ قرمز تیره بوده که روی آن را با نقوش ساده هندسی به رنگ سیاه تزیین کرده‌اند.

آثار لایه‌های سوم و چهارم و پنجم از دوره اول سیلک نمایانگر تداوم و استمرار فرهنگ لایه‌های قبل است.

۱. ملک شهمیرزادی، صادق. تپه سیلک کاشان. مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر پیش از تاریخ، مبانی باستان‌شناسی ایران. بین‌النهرین و مصر. (تهران: انتشارات مارلیک، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵) ص. ۱۶۴.

در میان آثار متعلق به لایه چهارم از دوره اول، قطعات کوچک مسین به شکل مهره و آویزهای تزئینی کوچک به چشم می خورد. شهر کاشان به شهر مسگران معروف بوده و هنوز هم مس کاشان و بازار مسگران کاشان از شهرت ویژه ای برخوردارند؛ و حدود پنج هزار سال وارث این صنعت و این پیشه بوده اند. کاشانی های عهد سیلک درست در پایان عصر حجر نخستین فلزی را که باید به کار ببرند شناخته و دریافته اند که مس نرم و قابل ورقه شدن است. آن ها وسایل کوچک زینتی را با روش چکش کاری مس سرد می ساختند. ساکنان این دوره از سیلک، در این مرحله فرهنگی، از چگونگی ذوب مس اطلاعی نداشتند و مس را به صورت رگه های خالص طبیعی از معادن مس استخراج می کرده اند. در این دوره، رنگ قرمز اُخرایی، به دلیل فراوانی اکسید آهن در نجد ایران، رنگ غالب بوده است: دیوارهای خانه را با آن رنگین می کردند، رنگ غالب سفال های شان قرمز بوده است، استخوان های اجساد مرده های شان نیز قرمز بوده است، احتمالاً گرد اکسید آهن را پس از دفن روی جسد می پاشیده اند. از این رو ابتدا اجساد مردگان را با محلولی از گِل اُخرایی می پوشانند، سپس آن ها را در زمین های داخل روستا و در زیر مکان های مسکونی و حتی در همان اتاق های مسکونی خودشان دفن می کردند. آن ها این مردگان را به حالت جنین در شکم مادر دفن می کرده اند، یعنی زانوهای مردگان را جمع می کردند، دست های آن ها را روی چهره های شان می گذاشتند و خوردنی های جامد و مایع را در ظرف هایی در دسترس آن ها می گذاشتند.

نوع معماری و فضا سازی خانه های قدیمی ترین ساکنان منطقه کاشان، که به هزاره ششم پیش از میلاد می رسد، نشان داده که مردمان ساکن در سیلک در این دوره، خانه های خود را از چوب و شاخه های درختان می ساختند.^۱

به احتمال زیاد نوع معماری در منطقه کاشان در این دوره بیشتر تحت تأثیر اقلیم خاص منطقه بوده است.

در مجموعه اشیایی که از قدیمی‌ترین لایه‌های استقرار سیلک به دست آمده، ابزارها و ادواتی دیده می‌شود که اغلب آن‌ها از سنگ، استخوان یا گل پخته ساخته شده و در کارهای تولیدی از قبیل کشاورزی، نجاری، ریسندگی یا زندگی روزمره به کار می‌رفته‌اند. تعیین کاربرد دقیق این اشیاء چندان آسان نیست، ولی شکل بعضی از آن‌ها و بر اساس بررسی مقایسه‌ای این اشیاء و نمونه‌های مشابهی مثل سوزن، سنگ‌ساب، درفش، مته و سر دوک در روستا معلوم می‌شود این اشیاء با زندگی اقتصادی و روزمره مردم ارتباط مستقیم داشته است.

ساکنان اولیه حوزه جغرافیایی کاشان ضمن پرداختن به امور مادی برای تأمین نیازمندی‌های خود، برای پاسخ دادن به نیازهای معنوی خود به امور غیرمادی نیز می‌پرداخته‌اند. نشانه‌های ملموس آن به صورت ساخت پیکرک‌های مختلف انسان و حیوان از استخوان و گل بوده است که هیچ نوع کاربرد مادی برای آن‌ها نمی‌توان تصور کرد جز این که بازیچه کودکان یا نذورات نیایشگاه‌ها باشند.^۱

دوره دوم سیلک: هزاره پنجم پیش از میلاد

از ویژگی‌های لایه اول دوره دوم سیلک، که به هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد، معماری و ساخت‌وساز آن است. در این دوره سکونتگاه‌ها وسیع‌تر شده‌اند و برای آن‌ها دره‌ایی نیز تعبیه شده که محل نصب آن‌ها مشهود است. خشت که گویا تازه کشف شده بود، جای چینه‌های گلی را گرفته است. این

۱. تپه سیلک کاشان. ص. ۲۴.

خشت‌ها را با کف دست می‌ساختند و در آفتاب خشک می‌کردند. شکل آن‌ها حالت بیضی دارد و در سطوح آن فرورفتگی‌هایی دیده می‌شود که با فشار انگشت ایجاد می‌کرده‌اند. این فرورفتگی‌ها موجب اتصال ملات و خشت می‌شد. این خشت‌ها سبب شده‌اند که دیوارها حالت موزونی به خود بگیرند. در این دوره هنوز هم مرده را به همان صورت، و در عمق اندک، در کف اتاق‌ها دفن می‌کردند.

در دوره دوم سیلک، نوآوری مشخصی در سنت سفالگری دیده می‌شود. به این معنا که برخی از ظروف سفالین با نقوش تزئینی مشبک، حیوانی و گیاهی تزیین شده که در دوره اول مرسوم نبوده و حتی یک نمونه گزارش نشده است.

آثار لایه‌های دوم و سوم دوره دوم سیلک ادامه همان فرهنگ لایه اول این دوره است. برای اولین بار از لایه سوم دوره دوم مهره‌های ساخته شده از فیروزه به دست آمده که ارتباط ساکنان سیلک را با مناطقی دوردست تا نیشابور در مسیر حاشیه کویر تأیید می‌کند.

اشیاء پیدا شده از دوره دوم هزاره پنجم پیش از میلاد سیلک، نشان‌دهنده پیشرفت‌های محسوسی از نوآوری‌ها در زمینه معماری، سفالگری و اشیاء گوناگون‌اند.

استفاده از خشت دست‌ساز بدون استفاده از قالب از ویژگی‌های این دوره سیلک کاشان است که دگرگونی‌هایی در فضاهای معماری به وجود آورد.

سفال‌های دوره دوم، به لحاظ ساخت از استحکام و ظرافت بیشتری برخوردارند. برای اولین بار نقش مایه‌های کاملاً جدیدی نیز به صورت مشبک و تجریدی در کنار نقوش هندسی، جانوری و گیاهی در سفال‌های این دوره مشاهده می‌شود. این نقوش نشان می‌دهند که هنرمندان سفالگر آن دوره، با ایجاد نقوش متنوع، ضمن به کارگیری خلاقیت‌های‌شان، تحت تأثیر

سنت‌های مذهبی و باورهای دینی و نیازهای معنوی عصر خود بوده‌اند. برای نقشین کردن سفال‌ها از اکسیدهای مختلف استفاده شده است و نشانه‌های استفاده از قلم موهای ظریف برای نقاشی کاملاً مشخص است. تنوع نقوش روی سفال‌های این دوره زیاد است.

دوره سوم سیلک: هزاره چهارم پیش از میلاد

آثار نشان می‌دهند که تپه شمالی سیلک، در پایان دوره دوم استقرار در لایه سوم، به کلی متروک گردیده و دوره سوم سیلک روی خاک بکر در محل جدید آغاز شده است. در معماری این زمان، خشت بیضی شکل کنار گذاشته شده است و به جای آن از خشت صاف و مستطیل ساخته شده از خاک نرم، استفاده کرده‌اند. سطح بیرونی دیوار خانه‌ها فرورفتگی‌ها و برجستگی‌هایی داشته که گویا برای شکست نور و ایجاد سایه بوده است. پی این دیوارها گاهی بر سنگ نهاده شده است. درها همچنان پست و تنگ بوده و ارتفاع آن‌ها معمولاً از ۸۰ تا ۹۰ سانتی متر تجاوز نمی‌کرد. پنجره نیز متداول بوده و عموماً به طرف کوچه باز می‌شده است. قطعات بزرگ سفال کار گذاشته در دیوارها گویا خانه را از رطوبت حفظ می‌کرده است. تزئین داخلی همچنان با رنگ قرمز بوده ولی رنگ سفید هم در این عهد به وجود آمده است.^۱

مهم‌ترین نوآوری دوره سوم سیلک را باید در اختراع و استفاده از چرخ سفالگری دانست که قبل از آن سابقه نداشته است.^۲ این همان چرخ کوزه‌گری است که کوزه‌گر امروزی نطنز هنوز هم از مزایای آن برخوردار است. گویا علت تأخیر اختراع چرخ ظرف‌سازی مربوط به تقسیم کار سفال‌سازی بین زن و مرد بوده

.....

۱. ایران از آغاز تا اسلام. ص. ۲۲۱.

۲. ملک شهیرزادی، صادق. «تأملی در علل جابه‌جایی استقرارهای پیش از تاریخ در حاشیه کویر در فلات مرکزی ایران»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ. اسفند ۱۳۶۹. شماره ۸ و ۹. صص. ۳-۴.

است. ظاهراً زن‌ها برای مدتی طولانی در خانه‌های خود با دست به ساختن ظروف سفالی مورد نیاز خانه و خانواده اشتغال داشته‌اند. پس از به وجود آمدن چرخ کوزه‌گری، کار سفالگری در حوزه کار مردانه و تولید اقتصادی قرار می‌گیرد و مردان به وسیله این چرخ و ابزار پیشرفته خود کوزه‌هایی با اشکال بسیار متنوع از قبیل جام‌های بزرگ، کاسه‌های عالی، خمره‌های دسته‌دار و جام‌های پایه‌بلند با طرح‌های تازه می‌سازند و به مشتریان خود عرضه می‌کنند. رنگ گل کوزه‌گری بر حسب شدت و ضعف حرارت کوره متغیر بود و کوزه‌گر می‌توانست آن را به میل خود به خاکستری، قرمز و غیره درآورد. کوزه‌گر هنرمند و نقش‌آفرین در آغاز کار تمایل بیشتری به واقع‌گرایی نشان می‌داد و تصویر مار، پلنگ، قوچ کوهی، مرال، لک‌لک و غیره را پشت سرهم یا در فواصل معین با مهارت تمام روی ظروف سفالین نقش می‌کرد. این نقاشی مبین نوعی سبک طبیعت‌گراست که با آنچه قبلاً وجود داشت اختلاف بسیار دارد. دیگر بدن جانور را با خطی ساده نقاشی نمی‌کردند، بلکه حجم را هم مورد توجه قرار می‌دادند. این سؤال برای اندیشمندان مطرح است که آیا این نقوش فقط جنبه زیبایی‌شناختی دارند یا بیانگر راز و رمزی بوده‌اند؟ آیا پیامی را در دل دارند که برای مردم آن زمان روشن بوده است؟ آیا این نقوش نوعی خط نبوده‌اند؟ و آیا منشأ اختراع خط همین تصاویری نبوده‌اند که در برابر چشمان مخترعین خط قرار داشته است؟ به هر حال این هنر نماینده مرحله‌ای است که راهی را به سوی خط تصویری نشان می‌دهد.^۱

این دوره که در بازه زمانی هزاره چهارم پیش از میلاد قرار می‌گیرد، مصادف است با بروز انقلاب شهرنشینی در بعضی از مناطق فلات ایران.^۲

۱. ایران از آغاز تا اسلام. صص. ۲۰-۲۲، ۲۵.

۲. مجیدزاده، یوسف. «حفریات در تپه گورستان سگزیاد». مجله مارلیک. سال ۱۳۵۶. شماره ۲. صص. ۸-۵۳. از همین نویسنده. آغاز شهرنشینی در ایران. (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹).

نتایج حفاری‌های تپه سیلک کاشان اطلاعات پراکنده‌ای درباره آغاز انقلاب شهرنشینی در فلات مرکزی ایران، از جمله کاشان، در اختیار می‌گذارد و نشان می‌دهد که در دوره سوم تپه سیلک تغییرات همه‌جانبه‌ای به وقوع پیوسته و یک جایگزینی فرهنگی صورت گرفته است. یکی از شاخص‌های جایگزینی فرهنگی، نوع سفال‌های دوره سوم سیلک کاشان است که به لحاظ فنون به کار رفته در آن‌ها و نیز شکل‌شان، تفاوت‌های زیادی با سفال‌های دوره قبل دارد. عملاً برخی از سفال‌های این دوره نخودی‌رنگ شده‌اند و نوآوری‌هایی نیز در شکل آن‌ها دیده می‌شود؛ مثل ظروف سفالین لوله‌دار و نقش‌مایه‌های جدید هندسی، جانوری، انسانی و گیاهی که به طرز ماهرانه‌ای پرداخت شده‌اند. پرندگان آبری و حیوانات وحشی مثل پلنگ و مار جای ویژه‌ای در مجموعه نقوش سفال‌های این دوره دارند. یکی از نقش‌مایه‌های موجود در مجموعه سفال‌های منقوش این دوره نقش انسان است که به صورت ردیفی در حال رقص، همراه با حیوانات، به سبک کاملاً طبیعی به نمایش گذاشته شده است.^۱

استخراج فلز و استفاده از آن در منطقه کاشان گذشته‌ای طولانی دارد. نمونه‌های اولیه آثار مسی که با چکش‌کاری ساخته شده‌اند، از دوره‌های اول (هزاره ششم پیش از میلاد) و دوم (هزاره پنجم پیش از میلاد) تپه سیلک به دست آمده است. از دوره سوم (هزاره چهارم پیش از میلاد) در فرایند توسعه فلزکاری در منطقه کاشان، نمونه‌های اولیه اشیاء مسی قالب‌گیری شده مثل سوزن، سنجا، تیغه و قالب‌های‌شان نشان می‌دهند که منطقه کاشان یکی از مراکز گسترش و نوآوری در زمینه فلزکاری و مسگری بوده است. از دوره سوم سیلک تعدادی مهر تخت و استوانه‌ای با نقوش هندسی، به دست آمده که

۱. سیلک کاشان. ج ۱. طرح‌های صص. ۲۴۳-۲۵۳.

نشان‌دهنده پیش‌زمینه پیدایش خط و کتابت، نشانگر مالکیت، اقتدار، تجارت و سحر و جادو است.^۱ نمونه‌های این مهرها از محوطه‌های باستانی همزمان با تپه‌های سیلک، یعنی از تپه حصار دامغان، نیز به دست آمده است.^۲

در معماری دوره سوم تپه سیلک، نوعی هماهنگی و نظم در استفاده از مصالح و ایجاد فضا دیده می‌شود که در دوره‌های قبلی سابقه نداشته است. مثلاً درهای ورودی که به اتاق‌های مختلف باز می‌شوند در یک امتداد قرار دارند؛ هم‌چنین در معماری این دوره از دیوارهایی با ضخامت بیش از یک متر استفاده شده است و اغلب اتاق‌ها راست‌گوشه هستند.^۳

دوره چهارم سیلک: هزاره سوم پیش از میلاد

در فاصله بین آثار سیلک در دوره سوم و چهارم، یک لایه ضخیم شن و خاکستر مشخص شد که علت آن معلوم نیست. آیا آتش‌سوزی مهیبی اتفاق افتاده؟ آیا طوفان شن رخ داده؟ آیا یک بیماری مسری ظهور کرده و مردم ناگزیر شده‌اند همه چیز را بسوزانند و لایه‌ای از ماسه روی آن بریزند؟ این‌ها همه حدسیات است و هیچ چیز معلوم نیست.

در دوره چهارم سیلک، همان روش‌های سنت‌های فرهنگی سیلک سوم ادامه داشته است. مهم‌ترین پدیده فرهنگی این دوره استفاده از خط و نگارشی است که هنوز رمزگشایی نشده است.^۴ در این دوره استفاده از طلا، نقره، سنگ لاجورد و عقیق متنوع‌تر از گذشته است. صنعت معرق‌کاری نیز در این زمان متداول شده است. از این تاریخ به بعد مهرهای استوانه‌ای جای مهرهای

۱. همان. طرح‌های شماره ۳۷ تا ۵۹، ص. ۲۳۰.

۲. «حفریات در تپه گورستان سگزاباد»

۳. سیلک کاشان. ج ۱. نقشه‌های صص. ۲۳۸ - ۲۳۹.

۴. حسین فرخ‌یار، سیلک. ص. ۷۸؛ دکتر عزت‌الله نگهبان. «شهرنشینی و...»، ۱۳۶۵، صص. ۲۵ - ۲۷.

قدیم را می‌گیرد. وجود سفال‌ها و مُهرها و الواح متعدد نشان می‌دهد که دوره چهارم سیلک تحت تأثیر ناحیه شوش قرار گرفته است. در سیلک می‌توان پاره‌ای اطلاعات درباره رشد جمعیت در یک دهکده متعلق به هزاره ششم قبل از میلاد را به دست آورد. تپه شمالی که قدیمی‌ترین لایه‌های دو دوره اول و دوم را در بردارد، محوطه‌ای به وسعت ۳/۵ هکتار را شامل می‌شود، حال آن‌که تپه جنوبی که دوره‌های جدیدتر سوم و چهارم را در بر می‌گیرد، وسعتی برابر ۵ هکتار دارد. تفاوت بین این دو رقم می‌تواند اشاره به رشد جمعیتی حدوداً چهل درصدی از پایان سیلک دوم و آغاز سیلک سوم باشد^۱.

دوره‌های پنجم و ششم: هزاره دوم و آغاز هزاره اول

آخرین دوره استقرار پیش از تاریخ ناحیه کاشان با هزاره سوم قبل از میلاد همزمان است. شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد که بعد از این تاریخ سیر زندگی در تپه سیلک از تکاپو افتاده و متروک شده است. آثار این دوره، به خصوص نمونه‌هایی از خطوط تصویری مربوط به آغاز دوره ایلامی از این دوره تپه سیلک، نشان می‌دهد که این دوره تحت تأثیر تحولات فرهنگی خارج از منطقه بوده است.

در این دوره نوعی کاسه‌های سفالین خشن دست‌ساز (لب‌پرسیده) به طور انبوه تولید می‌شده است. در دو دوره اخیر سیلک، قلعه تپه جنوبی نشانگر باقی‌مانده ساخت‌وسازهایی از نوع دیگر است (دوره ششم). جنس بناهای این دوره بیشتر از سنگ بوده است. از اشیاء به دست آمده در این جا معلوم می‌شود گورستان و

۱. مجیدزاده، یوسف. «تپه گورستان، یک مرکز صنعتی در آغاز شهرنشینی در فلات مرکزی ایران». مجله باستان‌شناسی و تاریخ. سال چهارم. شماره ۱. صص. ۴ - ۵.

آثار به جامانده از آن شبیه هم هستند. در محوطه بیرونی تپه سیلک دو گورستان متفاوت از نظر گاهنگاری، متعلق به آخرین تمدن شکوفای هزاره دوم و آغاز هزاره اول پیش از میلاد، وجود دارد. قدیمی ترین گورستان تا روستای مجاور آن به نام دیزچه و احتمالاً تا داخل آن نیز امتداد یافته است. گورستان جدیدتر دیگر در قسمت غربی و در حدود ۲۰۰ متری تپه جنوبی قرار دارد.

در طرز به خاک سپردن مردگان نیز تغییرات مهمی رخ داده است و این تغییر روش نشانه جایگزینی گروه جدید است. رسم کندن گور در زیر خانه‌ها برافتاده و شهر بالا و شهر پایین را روی تپه‌ای ساخته‌اند و اطراف آن را حصار کشیده‌اند که نمای خارج آن برآمدگی‌ها و فرورفتگی‌هایی داشت. شهر مردگان را در مغرب آن قرار داده‌اند و آن گورستان وسیعی است که در آن بیش از ۱۰۰ گور کشف شده است. گور ثروتمندان و نجبا گودال‌هایی بود که در دل زمین می‌کنند و مرده را آن می‌گذاشتند و اشیاء مورد نیاز او را کنارش قرار می‌دادند. روی آن را با خاک می‌پوشاندند به طوری که برجسته‌تر از کف زمین می‌شد و روی آن تخته‌سنگی وزین یا صفحاتی ساخته شده از گِل پخته قرار می‌دادند. از تزئینات مربوط به بنا فقط آثار مختصری باقی مانده و آن هم روشن نیست در چه محل و چگونه به کار می‌رفته است. این آثار از گِل پخته است. وضعیت یکی از دو گورستان سیلک، با در نظر گرفتن گورهای ثروتمندان و گورهای معمولی، نشان می‌دهد که در آن موقع اوضاع اجتماعی ثابتی به وجود آمده و طبقات اجتماعی مشخصی وجود داشته است. به طور کلی مطالعه ماهیت و اشیای مکشوفه باعث روشن شدن آداب و رسوم و چگونگی برخورداری زن و مرد و قشرهای اجتماعی در آداب و مناسک و زیور و زینت مردم این محل باستانی شده است. این عادات و رسوم مربوط به دورانی است که برزخ بین دو عهد

مفرغ و مس است و از نظر قدمت در سده‌های نخست هزاره اول پیش از میلاد قرار می‌گیرد. در این دوران استفاده از آهن متداول شد؛ هرچند در همان زمان، مفرغ و مس نیز به کار برده می‌شد.^۱

سلاح‌های جنگجویانی که در خدمت حاکم بودند و وسایل تزئین اسب‌های شان از آهن و مفرغ ساخته می‌شد. گویا مردم سیلک در آن روزها از وجود طلا اطلاعی نداشتند. زینت‌های شان بیشتر نقره‌ای بوده ولی با مفرغ نیز اشیاء زینتی می‌ساختند. مردان سینه‌بند و کلاه‌خود چرمین داشتند و قطعاتی از نقره کنده‌کاری شده را به کلاه‌خودهای شان نصب می‌کردند. زن‌ها به گیسوان‌شان زینت می‌بستند. در این محل نوع به‌خصوصی از گوشواره پیدا شده که از گل پخته یا فلز است و به نظر می‌رسد شکل کلی آن ملهم از شکل خوشه بوده است.^۲

در فاصله ۲۵۰ متری تپه جنوبی سیلک گورستانی است که آن را جزو دوره ششم سیلک به حساب می‌آورند و شیوه به خاک سپردن مردگان در آن با دیگر نقاط متفاوت است. در واقع این گورستان، شهر مردگان از راه رسیده‌ها یا مهاجرانی بوده است که به این ناحیه آمده، بالای تپه جنوبی سکنا گزیده و در آن جا استحکاماتی بنا کرده‌اند.^۳

در این دوران، سنت تدفین در دو گورستان سیلک، مثل دیگر گورستان‌های همزمان با آن‌ها، تحت تأثیر اعتقادات مذهبی بوده است. در این دوره مردم به دنیای پس از مرگ عقیده داشته‌اند و ظاهراً برای تأمین نیازهای زندگی پس از مرگ، غذا و احتیاجات روزمره فرد متوفی را همراه با وی دفن می‌کرده‌اند. برای همین است که بیشترین آثار از این گورها به دست آمده است.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان. ص. ۱۱.